





تاریخ مطبوعات ایران

سید فرید قاسمی

به انضمام پیشینه مطبوعات جهان

دکتر یونس شکرخواه

سرشناسه:	قاسمی، سیدفرید، ۱۳۴۲-گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور:	تاریخ مطبوعات ایران؛ فرید قاسمی. پیشینه مطبوعات جهان؛ یونس شکرخواه.
مشخصات نشر:	تهران: ثانیه، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:	[۱۹۲] ص: جدول.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۳۴-۲-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه.
مندرجات:	بخش اول: تاریخ مطبوعات ایران، از ص. [۹-۱۵۴]. - بخش دوم: پیشینه مطبوعات جهان، از ص. [۱۵۵-۱۹۲].
موضوع:	مطبوعات -- ایران -- تاریخ
موضوع:	مطبوعات -- تاریخ
موضوع:	روزنامه نگاری -- تاریخ
شناسه افزوده:	شکرخواه، یونس، ۱۳۳۶-
رده بندی کنگره:	۱۳۹۰ ۱۴۵۳ ق ۹ الف/ PN۵۴۴۹
رده بندی دیویی:	۰۷۹/۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	۲۶۲۰۲۵۴

تاریخ مطبوعات ایران

سیدفرید قاسمی

طراح جلد	حسین توکلی
چاپ دوم	زمستان ۱۳۹۴
چاپ اول	زمستان ۱۳۹۰
تعداد	۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی	باختر
چاپ و صحافی	نقشینه



شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۳۴-۲-۴
همه حقوق برای ناشر محفوظ است.



تهران، سعادت آباد، خیابان علامه جنوبی، خیابان ۲۶ شرقی، پلاک ۲۰، واحد ۴

تلفن: ۰۹۱۲۳۰۹۵۴۵۱
www.saniehpress.ir

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

۷	یادداشت
۹	درآمد
۱۱	سرآغاز
۱۷	روزگار ناصری
۳۵	عهد مظفری
۵۱	دو دهه پایانی قاجار
۹۱	ایام پهلوی اول
۹۹	زمانه پهلوی دوم
۱۳۹	دوره انقلاب
۱۴۹	مطالعه بیشتر
۱۵۵	پیوست: پیشینه مطبوعات جهان / دکتر یونس شکرخواه



یلداشت

از روزی که خواستند برای درس تاریخ مطبوعات دانشگاه‌ها متن بنویسم قالب‌های گوناگونی را از ذهن گذراندم. از میان‌شان اما، شیوه‌ای که در دفتر پیش رو آمده مناسب یافتم.

پایه کتاب حاضر، گفتارهایی است که برای دانشجویان رشته‌های ارتباطات، کتابداری و اطلاع‌رسانی، تاریخ و کتابداران بخش نشریه‌های ادواری شماری از کتابخانه‌ها، گفته‌ام. با تنظیم دوباره گفتارها، تدوین رخدادهای مهم از دو دهه پایانی قاجار تا انقلاب، فهرست منابع مراجعه برای مطالعه بیشتر علاقه‌مندان، و نوشتاری از دوست عزیزم دکتر یونس شکرخواه درباره پیشینه مطبوعات جهان این مجموعه فراهم آمد که امیدوارم مورد استفاده قرار گیرد.

یلدای ۱۳۹۰

سید فرید قاسمی



درآمد

بشر از دیرباز برای ثبت و اطلاع‌رسانی دانسته‌های خود محمل‌های گوناگونی برگزید. انسان ایرانی از سنگ‌نگاری آغاز کرد و پس از تجربه وسیله‌های دیگر برای انتقال پیام و برقراری ارتباط به کاغذ رسید. ایرانیان هنر کاغذسازی را از چینی‌ها آموختند و از شهرهای ایران امروز، اصفهان و تبریز و تهران و قزوین پیشگامان «صنعت کاغذگری» محسوب می‌شوند. نخستین چاپکرده‌های ارمنی‌زبان ایران بر روی کاغذ ونیزی و اولین نشریه ادواری چاپی فارسی با کاغذ خانبالیغ/ پکن چاپ شد. به مرور اما استفاده از کاغذ چینی منسوخ شد و با وجود رونق کاغذسازی در اصفهان، بیشتر مطبوعات عهد ناصری بر روی کاغذ روسی به چاپ رسیدند.

در زمینه چاپ نیز باید گفت شماری تاریخ چاپ را از مهرسازی شروع می‌کنند که ۵۰۰۰ سال در جهان و ۳۵۰۰ سال در ایران پیشینه دارد. اما باید دانست چاپ به مفهوم امروزی روزگار حکمرانی صفویه در کشورمان برپا شد که تا سال ۱۳۹۰ خورشیدی، ۳۸۴ سال پیشینه گسسته و ۲۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد. در آغازین سال‌های نشر در ایران، از چاپخانه با عنوان‌های اداره طبع، باسمه‌خانه، بسمه‌خانه، دارالطباعة، دارالطبع، تمثیل‌خانه، دارالطبعة، طبع‌خانه، کارخانجات دارالطباعة، کارخانه بسمه‌چی، یا، بسمجی، کارخانه

دارالطباعه، کارخانه طبع، دارالطبع، مطبع، مطبعه، دارالهدیه و کارخانه تمثیل یاد کرده‌اند. اما قدیم‌تر از این نام‌ها، چاوخانه و چهابخانه یا چهپاخانه است که پیشتر در ایران برای چاپخانه به کار برده‌اند.

نخستین چاپخانه ایران، در اصفهان، دو سال پس از نشر اولین کتاب، ورقه‌ای به زبان ارمنی در سال ۱۰۵۰ ق انتشار دارد که به فارسی، گزارش پدران کویر، ترجمه می‌شود.

سیاحانی که در همان سال‌ها به ایران آمده‌اند، از روزنامه‌های دستنویس دیوارکوب/ روزنامه خطی، که گاه به شیوه حک و پرس نشر می‌یافت، سخن به میان آورده‌اند که پیشینه دیرینه‌تری در ایران دارد. تفصیل این اشارت‌ها روا نیست و به منزله خروج از بحث اصلی قلمداد می‌شود چرا که گفتار ما درباره روزنامه‌نگاری چاپی به مفهوم امروزی است که سه گونه سنگی، حروفی/ سربی و ژلاتینی‌اش برای ادواری‌های روزگار قاجار معمول بود.

سراغز

روزگاری که فارسی‌نگاری مطبوعاتی در جهان گام به دهه ششم حیات گذاشت و دست کم حدود ۳۰ عنوان ضمیمه و نشریه فارسی برونمرزی انتشار پیدا کرد، مطبوعه چاپی فارسی در ایران متولد شد.

کلکته زادگاه روزنامه‌نگاری فارسی است و در پی این شهر، آگره، پنجاب، بمبئی، تفلیس و اسلامبول از حیث انتشار مطبوعات فارسی بر شهرهای ایران پیشی دارند.

رمضان ۱۲۵۲ ق، خورشید مطبوعات ایران با انتشار پیش‌شماره نخستین نشریه ادواری چاپی طلوع کرد. بنیادگذار این نشریه بی‌نام که با عنوان‌های کاغذ اخبار، اخبار، اخبار و وقایع شهر، اخبار شهر، نشریه میرزا صالح، روزنامه بی‌نام و اولین روزنامه ایرانی یاد می‌شود، میرزا محمدصالح شیرازی کازرانی/کازرونی بود. مدیر تحریریه و دستیار اول او در انتشار نشریه یاد شده میرزا محمد جعفر ادیب شیرازی (برادرش) و مدیر چاپخانه و چاپکارش میرزا اسدالله فارسی/باسمه‌چی بودند. نخستین نشریه فارسی چاپ ایران در چهار صفحه با قطع ۲۴×۴۰ منتشر شد. صفحه اول و چهارم آن سفید بود و مطالبش در یک رویه کاغذ در صفحه‌های دوم و سوم به چاپ می‌رسید. به نظر می‌رسد که چون شماری از نسخه‌های نشریه دیوارکوب می‌شد، این شیوه را برگزیده‌اند.

تنها تصویر این نشریه، نشان دولتی ایران- شیر و خورشید و شمشیر- بود که در سرلوحه قرار داشت. تیرهای نشریه با خط نسخ و متن آن با خط نستعلیق خوشنویسی شده‌اند و نوع چاپ نشریه سنگی است. این نشریه از حیث محتوا در ردیف نشریه‌های خبری قرار می‌گیرد که ترتیب انتشارش ماهانه بوده است. قیمت تک نسخه نشریه را در هیچ کجای شماره‌های موجود ننوشته‌اند. گویا نخستین نشریه ایران را مجانی به «اطراف و اکناف» می‌فرستاده‌اند. هدف دولت از تأمین بودجه این نشریه به ظاهر «تربیت» مردم و «آگاهی از کار جهان» و در باطن پاسخگویی به بعضی از مطبوعات خارجی بوده که دربارهٔ دربار ایران، اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور و وضع معیشتی مردم مطالبی می‌نوشته‌اند. ماجرا چنین آغازیدن گرفت که روزنامه‌های خارجی، اخبار و گزارش‌هایی را از اوضاع ایران به چاپ می‌رساندند. چاپکرده‌های یاد شده به مذاق حاکمیت خوش نمی‌آمد و هیچ ابزاری نیز در دست نداشتند که «مقابل به مثل» کنند. حتی زمانی که در سال ۱۲۴۲ ق روس‌ها «اعلان جنگ روسیه به ایران» را به زبان فارسی و با خط نستعلیق در قطع ۵۰×۲۸ در مسکو چاپ سنگی کردند و در ایران و شماری از کشورهای همسایه پراکندند، حکام قاجار نتوانستند اقدام مشابه انجام دهند. به نظر می‌رسد که یکی از علل عمدهٔ پذیرش محمدشاه با درخواست انتشار نشریه در ایران پاسخ‌گویی به مکتوب چاپی خارجیان بود.

میرزا محمدصالح شیرازی بنیادگذار نشریه بی‌نام روزگار محمدشاه قاجار، نخستین ایرانی دانش‌آموخته روزنامه‌نگاری است که افزون بر یادگیری روزنامه‌نگاری از فرنگیان، پایه‌های ایرانیزه‌سازی روزنامه‌نگاری را در کشور بنیان نهاد.

پدر میرزا صالح از صاحب‌منصبان نظامی بود و زمینهٔ ورود او را به دفتر عباس میرزا فراهم آورد. آشنایی میرزا صالح با عباس میرزا سبب شد که او به عنوان ارشد دومین گروه محصلان اعزامی به انگلستان رهسپار شود. میرزا صالح در معیت گروه اعزامی جمعه ۱۰ جمادی الثانی ۱۲۳۰ ق/ ۱۹ آوریل ۱۸۱۵ م از

تبریز راهی شد و ۲۳ شوال ۱۲۳۰ ق وارد انگلستان شد. گزارش این سفر را در سفرنامه‌اش که آن را در جایی «روزنامه‌چه» و در جای دیگر «مزخرف‌نامه‌چه» نام نهاده، می‌توان خواند و به مصیبت‌هایش در این سفر و نیز نکته‌هایی از خلق و روحیه بنیادگذار روزنامه‌نگاری فارسی در ایران پی بُرد. عشق و علاقه و پیگیری وی را در آموزش و پژوهش از این سفرنامه می‌توان دریافت. میرزا صالح در سفرنامه خود از حاکمیت قانون، عدالت و آزادی سخن رانده که در آن روزگار برای ایرانیان نو بود. مقایسه و بررسی تطبیقی او از همه شئون فرنگ با ایران جالب توجه است و نشان از فکر بیدارش دارد.

از میرزا صالح باید به عنوان نخستین روزنامه‌نگار گزارش‌نویس یاد کرد. او گزارش‌نویسی را پیش از روزنامه‌نگاری آموخت و در سال ۱۲۲۷ ق مشاهدات خود را از اصفهان، کاشان، قم و تهران به نگارش درآورد.

گزارش سفر میرزا صالح به انگلستان نمونه دیگری از آثار او در این زمینه است. وی در این گزارش تصریح دارد که با وجود گزارش‌نویسی خود، پیش از آموختن روزنامه‌نگاری از گزارش‌نویسی مطبوعاتی آگاهی نداشته و کارآموزی روزنامه‌نگاری و مطالعه نشریه‌های اروپایی و به ویژه انگلیسی و پرس‌وجوهایش سبب آشنایی او با این مقوله شده است.

با این وصف اما، جز بندهایی از پیش‌شماره نشریه‌اش که گزارش مانند است، به مفهوم امروزی در آن نشریه گزارش نمی‌بینیم اما از سفرنامه میرزا صالح درمی‌یابیم که وی سعی داشته «کاغذ اخبار ممالک مختلف» را ببیند و از محتوایشان بهره‌یاب شود. شیوه اطلاع‌رسانی و کارکرد مطبوعات در انگلیس، بهره مالی از آگهی و کمک این منبع درآمد برای تداوم حیات «کاغذ اخبار» در آن کشور برای میرزا صالح جالب توجه بوده، به نحوی که در این زمینه مطالعات و تحقیقاتی را انجام داده و الفبای گرداندگی یک نشریه را آموخته است. پژوهش و آگاهی میرزا صالح از تأثیر چاپ و نشر بر توسعه کشور انگلیس از هر حیث، او را بر آن داشته که این علم و فن را بیاموزد و به عنوان ره‌توشه و

ارمغان سفر با خود به ایران بیاورد. از این رو «خیال بُردن چاپ و صنعت باسمه در سر» او افتاده و به نزد «مستر دانس» رفته است.

به نظر می‌رسد که بدون احتساب آموزگاران روزنامه‌نگاران فارسی‌زبان مقیم هند باید به مستر دانس لقب اولین استاد روزنامه‌نگاری ایرانیان را داد. او نه تنها میرزا صالح را با چاپ آشنا کرد و تا حدودی امور مطبوعاتی - از دست‌نوشته تا چاپ‌سپاری - را به وی یاد داد، راهنمایش برای چگونگی تهیه «جناس چاپ‌سازی» و «پرس کوچکی» شد.

شور و عشق میرزا صالح به چاپ و نشر و مطبوعات را از نوشته‌هایش به خوبی می‌توان دریافت. ارادهٔ پولادین میرزا صالح که برای تحصیل در رشتهٔ مترجمی به انگلیس رفته بود و بنابر ذوق و سلیقه و علاقهٔ شخصی و با وجود تمام گرفتاری‌های غربت، حکمت طبیعی، زبان‌های انگلیسی و فرانسوی آموخت و به تهیهٔ حروف و حکاکی، نحوهٔ ساخت مرکب چاپ و به‌طور کلی فنون چاپ و روزنامه‌نگاری همت گمارد، جالب توجه است.

پس از آن که میرزا صالح سه سال و نه ماه و بیست روز از عمر خود را در انگلستان گذراند، به ایران بازگشت و مترجم و مستشار عباس میرزا شد. پذیرش این مسئولیت سبب شد که بین وی و روزنامه‌نگاری حدود ۱۸ سال فراق افتد. چاپخانه‌ای را که همراه آورده بود به میرزا جعفر - برادرش - سپرد و خود بنا بر دستور عباس میرزا به واسطهٔ درایت و کاردانی‌اش به امور اداری و دولتی در دستگاه عباس میرزا مشغول شد. همچنین به سبب زبان‌دانی و احاطهٔ وی به سیاست بین‌الملل گهگاه به مأموریت‌های سیاسی خارجی رفت.

رابط بین دربار و وزرای مختار خارجه، تعلیم به شاگردان مستعد، مأموریت به انگلستان به عنوان ایلچی ایران، فرستادهٔ ویژه به روسیه به همراه هیأت عذرخواهی قتل گریبایدوف، میهمانداری گراف سیمونیچ وزیر مختار روسیه در ایران، مستوفی نظام، وزیر طهران و ... از جمله مناصبی است که به او نسبت می‌دهند.

فاصله سال‌های ۱۲۳۴ق که میرزا صالح به ایران بازگشت تا ۱۲۵۲ق که پیش‌شماره نشریه‌اش را انتشار داد، وی بیشتر دیپلمات بود. نمونه کارهای مطبوعاتی او در این سال‌ها اعلان‌هایی است که در سال ۱۲۴۲ق در مطبوعات انگلیس انتشار داد. در آن سال بنابر توصیه عباس میرزا، میرزا صالح اعلان‌هایی در روزنامه‌های لندن منتشر کرد. در این اعلان‌ها میرزا صالح از جانب عباس میرزا اعلام کرد که داوطلبان مهاجرت به ایران افزون بر امنیت جانی و مالی از تسهیلاتی همچون زمین مجانی برای خانه‌سازی و کشاورزی، معافیت از هر گونه مالیات برخوردار خواهند شد.

از دیگر کارهای میرزا صالح در زمینه مطبوعات و چاپ و نشر، خرید چاپخانه از روسیه و راه‌اندازی آن در تبریز است. همچنین اعزام میرزا اسدالله فارسی برای یادگیری صنعت چاپ به روسیه را نیز به میرزا صالح نسبت می‌دهند.

میرزا صالح چون در دستگاه ولیعهد، در تبریز اشتغال داشت تا ۱۲۵۰ق که به همراه او به تهران آمد، منشأ خدمات دیگری در تبریز شد. به محض ورودش به تهران نیز در صدد تحقق آرزوی دیرینه خود یعنی چاپ و نشر روزنامه برآمد. اما مقدمات نشر روزنامه دو سال به درازا کشید تا این که در رمضان ۱۲۵۲ق در دوره پادشاهی محمدشاه قاجار و صدارت ملاعباس ماکویی/حاجی میرزا آقاسی ایروانی پیش‌شماره نشریه‌اش را انتشار داد. باید دانست که نخستین نشریه ادواری چاپی فارسی در ایران بی‌نام بود و با وجود آن که واژه روزنامه پیشینه‌ای کهن در متون فارسی دارد به «کاغذ اخبار» مشهور شد. شاید به تقلید از هندی‌ها که «نیوز» انگلیسی را به «اخبار» برگردانده بودند. به هر صورت از روزی که به «حکم» محمدشاه «کاغذ اخبار» در «دارالطباعة» چاپ شد، «امر» کردند که «کاغذ اخبار» را به «اطراف و اکناف» بفرستند تا سبب «آگاهی و دانش و عبرت اهالی این مملکت» شود. میرزا صالح نیز در پیش شماره نشریه خود این نوید را داد که «ماهی یک مرتبه اخبار و مطالبی که متضمن منافع و آگاهی و بینایی خلق باشد در دارالطباعة انطباع و به همه ممالک محروسه

فرستاده خواهد شد» و بدین ترتیب مأموران حکومتی و چاپارها نخستین موزعان مطبوعات در ایران شدند که با اسب‌های تیزرو نسخه‌های نشریه را به خواستاران می‌رساندند.

بر جای مانده‌های آن روزگار نشانگر آن است که میرزا صالح شیرازی دست کم سه سال نشریه‌اش را با همکاری دستیارانش منتشر کرده است. کشیش فاینو ساتیت که در سال‌های ۱۲۵۶-۱۲۵۷ ق/ ۱۸۴۰-۱۸۴۱ م در ایران بوده از نشریه میرزا صالح یاد کرده، اما اوژن فلاتدن که در همان ایام در ایران به سر می‌برده از نشریه وی نام نبرده و میرزا صالح را منشی و وکیل وزیر جنگ خوانده است.

ذیحجه ۱۲۵۸ ق که برزین شرق‌شناس روسی در ایران عُمر می‌گذراند به صراحت نوشت: «روزنامه میرزا صالح تعطیل گشته و بانی هوشمند آن به عنوان محصل برات‌های دیوانی روزگار می‌گذراند».

میرزا صالح با آن همه پیشینه و تجربه مطبوعاتی سر آخر مستوفی نظام یا به سخن امروز حسابدار اداره دارایی ارتش شد تا جان به جان آفرین تسلیم کرد. سال فوت او ثبت تاریخ نیست، اما تا سال ۱۲۶۹ ق/ ۱۸۵۲ م نام وی به عنوان عضو انجمن پادشاهی آسیایی لندن دیده می‌شود.

میرزا صالح را باید از پیشگامان ساده‌نویسی و از پیشروان تحول اجتماعی در ایران دانست. پس از کوشش سه ساله مطبوعاتی وی در روزگار محمدشاه، تلاش دیگری در این زمینه نمی‌بینیم و پس از یک گسستگی باید پی‌جوی تاریخ روزنامه‌نگاری ایران در دوره ناصرالدین شاه باشیم.